فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۹ - ۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۴۰۱

تحلیل انتقادی اختیارات رئیس جمهور در قانون اساسی ۲۰۱۷ م. ترکیه

حسن مجیدی[1]
دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)
مهدی عزیزی هشجین[2]
دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۸ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۷/۱۱/۲۱

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

حزب عدالت و توسعه از زمانی که اقتدار سیاسی را در ترکیه به دست گرفت، پیوسته مسئلهٔ تغییر سیستم سیاسی ترکیه را از سیستم پارلمانی به سیستم ریاست جمهوری مطرح می‌کرد. این حزب با محوریت اردوغان بعد از کودتای نافرجام ۱۵ آوریل ۲۰۱۶ میلادی، به خاطر حمایت‌های سیاسی احزاب و همراهی اجتماعی توانست با همه‌پرسی سال ۲۰۱۷ به خواستهٔ خود برسد. هدف این مقاله بررسی اختیارات رئیس‌جمهور به منزلهٔ رئیس کشور و نیز مناسبات رئیس‌جمهور با قوای مقننه و قضائیه و نقد و ارزیابی این تغییرات است. در همین راستا به بررسی تطبیقی تغییرات مواد قانون اساسی و به خصوص مواردی که در ارتباط مستقیم با نهاد اجرایی بوده نسبت به قانون اساسی قبلی پرداخته شده است تا از لحاظ نوع رژیم‌های سیاسی براساس مفهوم کلیدی نظریهٔ تفکیک قوا را مورد بررسی قرار داده و پیامدهای حقوقی و سیاسی آن تبیین شود. پرسش مقالهٔ حاضر این است که اختیارات رئیس‌جمهور در قانون اساسی جدید در چه ابعادی تغییر کرده و نظام سیاسی ترکیه را به کدام مدل از نظام‌های سیاسی نزدیک‌تر کرده است؟ مدعای مقاله این است که با افزایش اختیارات گسترده رئیس‌جمهور، نظام ترکیه به نظام ریاست‌گرا نزدیک شده است. یافته‌های مقاله که به صورت تحلیلی و توصیفی و با روش اسنادی تدوین شده است، نشان می‌دهد که تغییرات قانون اساسی موجب افزایش اختیارات و حوزه نفوذ رئیس‌جمهور شده است و این امر موجب متزلزل شدن مرزهای تفکیک قوا در سیستم سیاسی جدید ترکیه می‌شود. مستندات این مدعا صلاحیت متقابل رئیس‌جمهور برای انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زودرس، برگزاری همزمان انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، افزایش مدت دوره تصدی مجلس و ریاست جمهوری، امکان رئیس‌جمهور برای تصدی دبیرکل حزب در دوره تصدی ریاست جمهوری، اختیار انتخاب اکثر اعضای شورای قضات و دادستان‌ها و نیز دادگاه قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور و انتخاب مسئولان رده بالای دولتی توسط رئیس‌جمهور بدون تأیید مجلس و نیز سخت شدن فرایند نظارت بر وزرا است.

واژه‌های کلیدی: ترکیه، سیستم حکومتی قانون اساسی ۲۰۱۷، سیستم پارلمانی، سیستم ریاست جمهوری.

1. majidi118@gmail.com
2. mahdiazizi.1374@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

مقدمه

از سال ۱۹۰۸ میلادی بعد از اعلان مشروطیت دوم در دولت عثمانی، سیستم حکومتی در راستای حکومت مجلس ایجاد شد و در قانون اساسی ۱۹۲۱ نیز رژیم سیاسی براساس حکومت مجلس برقرار شده بود. اما بعد از تأسیس جمهوری ترکیه در قانون اساسی ۱۹۲٤ ترکیه، سیستم سیاسی رژیمی بین حکومت مجلس و نظام پارلمانی برقرار بود و تا سال ۱۹۸۲ نظام سیاسی ترکیه ویژگی‌های یک نظام پارلمانی را دربرداشت. ولی با تغییرات قانون اساسی در سال ۲۰۰۷ که باعث انتخاب شدن مستقیم رئیس‌جمهور از طرف مردم می‌شد، موجب تغییر در نظام سیاسی ترکیه شده و هرچه قدر هم قانون اساسی ۲۰۰۷ ترکیه ویژگی‌های یک نظام پارلمانی را با خود داشت؛ ولی با انتخاب رئیس‌جمهوری از طرف مردم، در واقع نظام سیاسی ترکیه به سیستم نیمه ریاستی تبدیل شده بود. (Yıldız, 2015: 1)

در سال ۱۹۹۲م. موضوع تغییر سیستم سیاسی ترکیه به نظام ریاستی در ابتدا از طرف تورگوت اوزال، رئیس‌جمهور وقت در افکار عمومی ترکیه مطرح شد و در سال ۱۹۹۹ دوباره از سوی سلیمان دمیرل- نهمین رئیس‌جمهور - مطرح گردید. بعدها حزب عدالت و توسعه که در سال ۲۰۰۲ اقتدار سیاسی را در ترکیه به دست آورد، طرح جدی این مسئله در ترکیه را شروع کرد. رجب طیب اردوغان، رئیس حزب عدالت و توسعه، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور فعلی ترکیه بارها بر لزوم تغییر سیستم سیاسی ترکیه به نظام ریاستی تأکید می‌کرد. (Güz, 2015: 1)

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که چهار حزب سیاسی اصلی ترکیه از دیرباز روی آن اختلاف داشتند، نظام سیاسی ترکیه بوده است. سه حزب جمهوری خلق، نهضت ملی و حزب دموکراتیک مردم طرفدار سیستم پارلمانی، ولی حزب عدالت و توسعه همواره خواستار تغییر سیستم سیاسی به سیستم ریاست‌جمهوری بوده است. حزب عدالت و توسعه به دنبال تغییرات قانون اساسی در سال ۲۰۰۷ که موجب انتخاب شدن رئیس‌جمهور به صورت مستقیم از جانب مردم شد، می‌خواست سیستم حکومتی را نیز به نظام ریاست جمهوری تغییر دهد. زیرا رئیس-جمهوری که مشروعیت خود را از ارادهٔ مستقیم مردم می‌گرفت، نمی‌توانست تحمل کند که به صورت سمبلیک به عنوان رئیس‌جمهوری که از طریق سیستم پارلمانی انتخاب شده است، عمل کند. در حالی که رئیس‌جمهور وقتی از طرف مردم انتخاب می‌شد، در عمل به سیستم ریاست جمهوری وارد شده بود و لازم بود که با تغییر قانون اساسی وجهه حقوقی به خود بگیرد. (Coşkun, 2017: 5)

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

مردم ترکیه نخستین بار برای انتخاب رئیس جمهور در تاریخ ۱۰ اوت ۲۰۱٤ میلادی بر سر صندوق‌های رأی رفتند و در همان دورهٔ اول رجب طیب اردوغان با کسب ۵۱,۷۹ درصد آرا به عنوان اولین رئیس جمهور ترکیه از طرف مردم انتخاب شد. اردوغان در کمپین‌های انتخاباتی خود پیوسته بیان می‌کرد که تنها به عنوان رئیس‌جمهور یک نظام پارلمانی عمل نخواهد کرد و تمام مسئولیت‌های رئیس‌جمهوری که از طرف مردم انتخاب شده را برعهده خواهد گرفت و چهرهٔ اجرایی از خود به نمایش خواهد گذاشت. (Yüksek Seçim Kurulu. 2018)

اردوغان بعد از پیروزی در انتخابات – بنا به آنچه که در رقابت‌های انتخاباتی گفته بود– یک شیوه اجرایی موازی با پارلمان ایجاد و در تمامی فعالیت‌های دولت به صورت مستقیم مداخله کرد. احزاب مخالف نیز به شدت از این وضع انتقاد کرده و اعتقاد داشتند که اردوغان با این کارش باعث تخلف از قانون بی‌طرف بودن رئیس‌جمهور شده است. در مقابل اردوغان با بیان اینکه در حال استفاده از حقوق شناخته‌شدهٔ خود در قانون اساسی است، پیشنهاد تغییر قانون اساسی را به احزاب مخالف می‌داد. (Coşkun, 2017: 6)

احزاب سیاسی مخالف به خواسته رئیس‌جمهور و حزب عدالت توسعه برای تغییر سیستم حکومتی جواب رد می‌دادند. اما بعد از اقدام نافرجام کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱٦ رویکرد حزب نهضت ملی تغییر کرد و دبیرکل حزب دولت، باغچه‌لی بیان کرد که مواضع و سیاست‌های رئیس‌جمهور یک وضعیت واقعی را ایجاد کرده است و این حالت با چارچوب حقوقی کشور در تناقض بوده و لازم است که با مراجعه به آراء مردم نسبت به برطرف کردن آن اقدام کرد و به حزب عدالت و توسعه اعلام کرد که طرح پیشنهادی برای سیستم ریاست‌جمهوری را به مجلس بیاورد. (Yeni Şafak, 2017). از این جهت همراهی حزب حرکت ملی را می‌توان عامل جدی در تصویب این پیش‌نویس در پارلمان ترکیه دانست و آنچه مخالفت احزاب مخالف اردوغان را تحت‌الشعاع قرار داده و کمرنگ‌تر کرد، تصمیم به همکاری تمام عیار حزب حرکت ملی این کشور به رهبری دولت باغچه‌لی با اردوغان است. اصرار رهبر ملی‌گرا، برای جایگزینی حکم اعدام به منظور بازگرداندن فضای خون‌بار دهه ۸۰ به این کشور و آغاز قلع و قمع گسترده مخالفان باعث شد تا با موافقت اردوغان، طرح الحاق این قانون به قانون اساسی جدید به صورت جداگانه به همه‌پرسی گذاشته شود. به هر حال، رهبر حزب حرکت ملی که مدتی با خطر اعتراضات و شکاف درون حزبی مواجه بود، تصمیم قاطع به همراهی با

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

اردوغان گرفت. تصمیمی که راه را برای تصویب این طرح در پارلمان این کشور و همچنین اجرای همه‌پرسی در این باره بسیار هموار کرد. (قادری‌آذر، ۱۳۹۵).

بعد از سخنرانی دبیر کل حزب نهضت ملی ترکیه که به مثابه چراغ سبزی برای تغییر قانون اساسی بود، کارشناسان حقوقی هر دو حزب نهضت ملی و حزب عدالت و توسعه شروع به آماده کردن مواد پیشنهادی تغییر قانون اساسی کردند و بعد از توافق هر دو طرف بر روی متن پیشنهادی، در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱٦ با امضای ۳۱٦ نماینده حزب عدالت و توسعه طرح پیشنهادی برای تغییر قانون اساسی به رئیس مجلس ترکیه ارائه شد.

طرح ارائه‌شده به مجلس ۲۱ ماده بود. ولی در هنگام بررسی آن در مجلس و کمیسیون‌ها به ۱۸ ماده کاهش پیدا کرد. ارزیابی طرح پیشنهادی در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۷ به اتمام رسید و با ۳۳۹ رأی نمایندگان تصویب شد که بر اساس آن قدرت و اختیارات رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور افزایش خواهد یافت. اردوغان نیز در تاریخ ۱۰ فوریه ۲۰۱۷ قانون تغییر قانون اساسی ترکیه را امضا کرد و بنا به ماده ۱۷۵ قانون اساسی ترکیه، تغییرات قانون اساسی به رفراندوم گذاشته شد. (Ardıçoğlu , 2017: 23).

بر همین اساس، از دیرباز تغییر نظام سیاسی ترکیه به ریاست جمهوری موضوع بحث محافل سیاسی و آکادمیک بوده و همواره حزب عدالت و توسعه طرفدار تغییر نظام سیاسی به ریاست جمهوری بوده است و در مقابل حزب جمهوری خلق تلاش می‌کرد تا نظام پارلمانی ابقا شود. اهمیت تحولات ترکیه به منزلهٔ یکی از مهم‌ترین کشورهای تأثیرگذار در جهان اسلام و از جمله کشورهای پیشگام در مردم‌سالاری، ضرورت فهم و درک تحولات این کشور به خصوص در عرصه ساختار سیاسی را مطرح می‌کند.

مسئله مقاله حاضر این است که تغییر قانون اساسی ترکیه تا چه حد به سیطره و غلبهٔ قدرت رئیس‌جمهور تأثیرگذار می‌باشد. پرسش مقاله این است که اختیارات رئیس‌جمهور در قانون اساسی جدید در چه ابعادی تغییر کرده و نظام سیاسی ترکیه را به کدام مدل از نظام‌های سیاسی نزدیک‌تر کرده است؟ هدف این پژوهش بررسی اختیارات رئیس‌جمهور به منزله رئیس کشور و نیز مناسبات رئیس‌جمهور با قوای مقننه و قضائیه و نقد و ارزیابی این تغییرات است. در همین راستا، به بررسی تطبیقی تغییرات مواد قانون اساسی و به خصوص مواردی که نسبت به قانون اساسی قبلی در ارتباط مستقیم با نهاد اجرایی بوده، می‌پردازد. انواع رژیم‌های سیاسی

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

براساس مفهوم کلیدی، یعنی نظریهٔ تفکیک قوا بررسی شده و پیامدهای حقوقی و سیاسی آن تبیین می‌شود. مدعای این مقاله این است که نظام ترکیه به نظام ریاست‌گرا نزدیک شده است.

پیشینه تحقیق

دربارهٔ تغییر نظام سیاسی ترکیه از نظام پارلمانی به ریاستی در فضای علمی و آکادمیک ترکیه پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است، اما در فضای علمی ایران به صورت دقیق و حقوقی به آن پرداخته نشده است و از این جهت ضرورت داشت تا به صورت حقوقی بررسی شده و آثار و نتایج سیاسی این رفراندم مورد ارزیابی قرار گیرد. البته در این مقاله مجالی برای پرداختن به همهٔ آنها نیست و فقط به تعدادی از آثار آکادمیک ترکیه پرداخته می‌شود. به صورت کلی در ترکیه دو دسته از آثار را می‌توان در این زمینه دسته‌بندی کرد: گروه اول طرفدار تغییر نظام سیاسی به ریاست جمهوری بوده و عموماً علت عدم استقرار و ثبات سیاسی دولت‌های ائتلافی و بروز مشکلات در تصمیم-گیری‌های کلان ترکیه را در سیستم پارلمانی و بروکراسی پیچیده و طولانی می‌دانند. گروه دوم که خواستار ابقای نظام پارلمانی هستند، استدلال می‌کنند که به خاطر سنت و فرهنگ سیاسی موجود در ترکیه و شرایط جغرافیایی و نیز قومیتی، سیستم پارلمانی مناسب‌تر بوده و تغییر نظام سیاسی به ریاست جمهوری باعث اقتدارگرایی تک‌حزبی و کم‌رنگ شدن دموکراسی می‌شود. برای مثال آقای بنیامین بزجی در مقاله «Demokrasi ve Başkanlık Sistemi» ادعا می‌کند که سیستم ریاست جمهوری با تمرکز اختیارات در دست یک شخص یا یک حزب، به معنای به خطر افتادن دموکراسی نیست و نظام سیاسی آمریکا را نمونهٔ بارزی برای ادعای خود مثال می‌آورد. وی علت پیدا شدن برخی دیکتاتورها در آمریکای لاتین را که نظام‌های ریاستی در آنها برقرار است، در فرهنگ سیاسی آن کشورها می‌داند. (Bünyamin Bezci, 2005)

خانم زهرا جانر در مقاله « Parlamenter Sistem ile Başkanlık Sisteminin Analizi ve Başkanlık Sisteminin Türkiye'de Uygulanabilirliği»، به بررسی ساختاری نظام‌های ریاستی و پارلمانی پرداخته است و مشکلات موجود در ترکیه را ناشی از بروکراسی پیچیده ناشی از نظام پارلمانی ترکیه دانسته و معتقد است که با تغییر سیستم سیاسی به ریاست جمهوری مشکلات ناشی از این بروکراسی حل خواهد شد. (Zehra Caner, 2013)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

آقای حیدر افه در مقاله « TÜRKİYE'DE HÜKÜMET SİSTEMİ TARTIŞMA-LARI ÇERÇEVESİNDE BAŞKANLIK SİSTEMİ VE TÜRKİYE'DE UYGU-LANABİLİRLİĞİ»، بیان می‌کند که نوع توسعهٔ نظام‌های سیاسی در کشورها بستگی به تاریخ و فرهنگی سیاسی آنها دارد و در ترکیه نیز همانند انگلستان، یک منارشی مطلق حکمفرما بوده است و سیستم پارلمانی هماهنگی بیشتری با تاریخ و فرهنگ سیاسی ترکیه دارد. در مقابل با توجه به فرهنگ سیاسی مردم ایالات متحده و فدراتیو بودن آن، نظام ریاست جمهوری شکل گرفته و سنت سیاسی دولت و مردم آمریکا با ترکیه متفاوت است. (Haydar Efe, 2015)

آقای عبدالصمد یامان نیز در مقاله « BAŞKANLIK SİSTEMİ, UYGULAMA-LARI VE TÜRKİYE'DE UYGULANABİLİRLİĞİ»، اشاره می‌کند که عملکرد خوب نظام ریاستی در ایالات متحده به دلیل فرهنگ سیاسی مردم آمریکا، اقتصاد قوی، توسعه تکنولوژیک و پیشرفته بودن، جغرافیا و سنت سیاسی آمریکایی‌هاست و برخلاف ایالات متحده در کشورهای آمریکای لاتین نظام‌های ریاستی چنین عملکردی از خود نشان نداده‌اند و در ترکیه نیز شرایط مناسبی برای تحقق دموکراسی در قالب نظام ریاستی نیست. (Abdulse-met Yaman, 2014)

تاکنون تحقیق علمی و بررسی آکادمیک جدی در فضای دانشگاهی ایران دربارهٔ قانون اساسی جدید ترکیه انجام نشده و بیشتر از ناحیه برخی مراکز مطالعاتی و رسانه‌ای تحلیل‌هایی صورت گرفته است. به طور مثال، احد نوری اصل (۱۳۹۵) در تحلیلی دربارهٔ اثرات اصلاح قانون اساسی ترکیه آورده است: «پیامدهای اصلاحات مدنظر اطرافیان اردوغان در قانون اساسی این کشور اثرات چندوجهی دارد که بیشترین تأثیر آن بر اوضاع داخلی این کشور است. در واقع، هدف اصلی این اصلاحات سر و سامان دادن به شرایط و اوضاع نابسامان سیاسی و امنیتی این کشور است. شرایطی که ناشی از حضور فعال و گستردهٔ نظامیان در عرصه سیاسی و قضائی این کشور است. در نتیجه بیشترین و مهم‌ترین پیامد آن نیز مربوط به سیاست داخلی این کشور می‌باشد که شامل پیامدهای مثبتی مانند وداع با نظامی‌گری، اصلاح ساختار قضائی، تحقق نظام ریاستی و... و همچنین پیامدهای منفی شامل حرکت به سمت دیکتاتوری فردی و حزبی، تضعیف مجلس، کنترل قوه قضائیه و... است». (نوری اصل، ۱۳۹۵)

کامران قادری‌آذر نیز در تحلیلی نوشته است: «جمهوری ترکیه، اکنون بیش از هر زمان

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

دیگری در آستانه پذیرفتن قانون اساسی جدید این کشور قرار گرفته است. قانونی که با توجه به جنجال‌هایی که در طی مراحل ایجادشدن برپا کرده است، به نظر نمی‌رسد که خواسته‌های همه سلیقه‌ها و گروه‌های سیاسی این کشور را برآورده کرده باشد. اما در کنار تمامی اینها اعطای اختیارات بسیار گسترده و وسیع‌تر به شخص رئیس‌جمهور، بار دیگر می‌تواند این کشور زخم خورده در طول تاریخ پر فراز و نشیبش را با خطر دیکتاتوری مطلقه مواجه کند. با وجود اینکه اردوغان و مسئولان حکومتی وی تصویب این قانون را سرآغازی برای شکل‌گیری ترکیهٔ نوین می‌نامند، ایجاد فضای اختناق و فشار و دستگیری‌های بی حد و حصر و بسته شدن روزنامه‌ها و محدودیت‌های اعمال‌شده بر حقوق سیاسی و اجتماعی قشرهای مختلف این کشور، نمونه‌هایی از این اقدامات هستند». (قادری آذر، ۱۳۹۵).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چارچوب نظری

برای شناخت و معرفی نظام‌های سیاسی کشورها لازم است براساس معیارهای منسجمی حقوق اساسی آنها را طبقه‌بندی کرد. این طبقه‌بندی‌ها باید براساس الگوی یکسانی صورت گیرد. از میان معیارهای طبقه‌بندی کشورها می‌توان از طبقه‌بندی سیاسی ـ حقوقی استفاده کرد. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۶). این طبقه‌بندی با استفاده از مفهوم کلیدی در حقوق اساسی، یعنی تفکیک قوا صورت می‌پذیرد. در واقع، شیوه تقسیم حاکمیت بین قوای حاکم و روابط فیمابین آنها در هر کدام از قوانین اساسی مبین تفسیر خاصی از تفکیک قوا می‌باشد. نوع تفکیک قوا در هرکشوری شاخص اصلی تعیین رژیم سیاسی و ملاک تقسیم‌بندی رژیم‌های سیاسی است. (عمید زنجانی، ۱۳۸٤: ۹٤) براساس این تقسیم‌بندی چهار نظام حقوقی ـ سیاسی اصلی یعنی رژیم‌های پارلمانی (تفکیک نسبی یا همکاری قوا)، رژیم‌های ریاستی (تفکیک مطلق قوا)، رژیم‌های مختلط (نیمه ریاستی ـ نیمه پارلمانی) و رژیم‌های اقتدارگرا (اختلاط یا عدم تفکیک قوا) از هم تشخیص داده می‌شوند. (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۷)

نظام‌های پارلمانی

رژیم پارلمانی معلول تفکیک نسبی قوا می‌باشد. در این نوع نظام‌ها ارگان‌های مربوط به قوای سه‌گانه باید با تمهیدات حقوقی و سیاسی به هم پیوند داده شوند و در عین تمایز کلیت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

حاکمیت ملی را نمودار سازند. در این شیوه از تفکیک قوا، به دنبال انفصال کلی دستگاه‌ها و وظایف از یکدیگر نبودند؛ بلکه می‌خواستند به هر کدام از قوا سهمی از حاکمیت بدهند تا نهادهای بدون توجه به سایر ارگان‌ها به وظایف خود بپردازند. (عباسی، ۱۳۹٤: ۱۹) در این روش، حاکمیت ملی از سوی مردم و از رهگذر انتخابات به نمایندگان پارلمان سپرده و از طریق پارلمان به دستگاه‌ها و اشخاص کارگزار و سایر قوا منتقل می‌شود. بنابراین، دستگاه‌های مختلف به یکدیگر وابسته‌اند. یعنی در عین تمایز و تفکیک باید پاسخگو و مسئول دستگاهی باشند که از آن ناشی شده‌اند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۳: ۱۷۱) پس قوه مجریه در عین تمایز از قوه مقننه با یکدیگر وابستگی ارگانیکی نیز دارند. هرچند وظایف خاصی به ارگان‌ها سپرده شده است، ولی این ارگان‌ها در ارتباط با هم بوده و در مواردی عملکرد آنها هم‌پوشانی دارد؛ چراکه بین آنها تفکیک مطلق وجود ندارد.

بر اساس نظریه تفکیک قوا، قانون‌گذاری در حوزهٔ صلاحیت قوه مقننه است. ولی در نظام‌های پارلمانی به دلیل تفکیک نسبی قوا، امکان همکاری قوه مجریه در فرایند قانون‌گذاری وجود دارد؛ چرا که در برخی از نظام‌های پارلمانی رئیس دولت و وزرا از میان نمایندگان انتخاب می‌شوند و اعضای قوه مجریه می‌توانند با مشارکت در جلسات پارلمان از برنامه‌ها و لوایح تقدیم شده از طرف دولت دفاع کنند و نظریات تخصصی خود را به مجلس ارائه دهند. (عباسی، ۱۳۹٤: ۲۳-۲۲).

از آنجا که اغلب مجلس در وضع قوانین به کلیات می‌پردازد، بیان جزئیات و نحوهٔ اجرای قوانین را به آیین-نامه‌های اجرایی موکول می‌کند و بدین صورت قوه مجریه صلاحیت وضع نظام‌نامه‌های اجرایی در چارچوب قانون را بر عهده دارد. از طرفی پارلمان هم ابزارهایی برای نظارت و کنترل حکومت در دست دارد؛ چرا که برای تشکیل و رسمیت یافتن هیئت دولت، یعنی نخست‌وزیر و کابینه‌اش، به رأی اعتماد مجلس نیاز هست. از طرف دیگر، اگر مجلس از سیاست‌های هیئت دولت یا وزیر خاصی رضایت‌مند نباشند، می‌تواند با استیضاح و عدم رأی اعتماد، کابینه یا وزیر مذکور را عزل کند و همچنین با اهرم‌هایی همچون سؤال، تحقیق و تفحص و تصویب برنامه بودجه و صدور اجازه مالی، سیاست‌های حکومت را در کنترل خود داشته باشند. (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۳٤ -۳۳) از طرف دیگر، برای جلوگیری از سلطهٔ یک جانبهٔ قوه مقننه بر قوه مجریه، در نظام‌های پارلمانی به طور متقابل حق انحلال پارلمان

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

به وسیله دولت به رسمیت شناخته شده است. انحلال پارلمان حقی است که به موجب آن قوه اجرایی می–تواند قبل از موعد، به دوره وکالت نمایندگان ملت پایان دهد. در نظام‌های پارلمانی ریاست قوه مجریه دو رکنی بوده و از دو مقام متمایز تشکیل می‌شود. یکی رئیس کشور که مقامی غیرمسئول است و معمولاً پادشاه موروثی بوده یا رئیس‌جمهوری که منتخب مردم می‌باشد. دیگری رئیس دولت است که با انتخاب رئیس کشور و تأیید مجلس مأمور تشکیل کابینه می‌شود که معمولاً نخست‌وزیر، صدراعظم یا رئیس شورای وزیران می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۴۷–۲۴۵)

فقدان مسئولیت سیاسی برای رئیس کشور ریشه تاریخی دارد. چرا که نظام پارلمانی در یک کشور سلطنتی پا به عرصه وجود نهاد و برای اینکه رئیس کشور از منازعات سیاسی و از اقدامات فراقانونی دور بماند، به تدریج از عهده‌دار شدن مسئولیت سیاسی کنار گذاشته شد و این رویه در کشورهای جمهوری نیز پذیرفته شد. گرچه رئیس کشور یک مقام تشریفاتی است، اما اختیارات وی از کشوری به کشور دیگر متفاوت می‌باشد. (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ٤١). با نگاه به حقوق اساسی انگلستان، معمولاً مواردی مانند انتصاب رئیس و اعضای دولت، انحلال پارلمان، ارسال پیام به قوه مقننه، امضای قوانین، فرماندهی نیروهای مسلح، انتصاب قضات، امضای معاهدات و جز اینها در زمره این اختیارات هستند. اما در عمل برخی از این صلاحیت‌ها نظیر امضای قوانین و عهدنامه‌ها، جنبهٔ تکلیفی دارند. یعنی رئیس کشور باید آنها را انجام دهد و برخی دیگر نیز همانند انحلال پارلمان و انتصابات، مستلزم پیشنهاد از طرف دولت یا رئیس دولت است و در نهایت در بعضی از موارد نظیر تعیین رئیس دولت، بیشتر از آنکه از حق انتصاب برخوردار باشد، بر انتخاب انجام یافته صحه می‌گذارد.

نظام‌های ریاستی

نظام ریاستی مولود «اندیشه تفکیک مطلق قوا» هستند. در صورتی که قوای سه‌گانه از حیث اندامی و کار ویژه از یکدیگر منفصل باشند و هیچ کدام از دستگاه‌های عامل قوا در قلمرو دیگری مداخله‌ای نکند، رژیم تفکیک کامل یا انعطاف‌ناپذیر قوا خواهد بود. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۳: ۳۷۸) در این نوع نظام‌ها هر یک از ارگان‌ها به کار تخصصی خود می‌پردازد و مهم‌ترین مشخصهٔ آن استقلال قوه مجریه در برابر قوه مقننه است. قوا از حیث سازمانی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

و وظایف از یکدیگر منفک بوده و حاکمیت ملی از طریق رأی مستقیم مردم میان آن دو تقسیم می‌شود و چون هم رئیس‌جمهور و هم نمایندگان مجلس با رأی مردم سر کار می‌آیند، نمی‌توانند به کار یکدیگر پایان دهند و پارلمان دیگر گزینه‌های رأی اعتماد و استیضاح دولت و کابینه‌اش را نخواهد داشت و چون رئیس کشور در عین حال رئیس دولت نیز می‌باشد، وزرا را نیز رئیس‌جمهور انتخاب می‌کند و نیازی به تأیید مجلس نیست. وزرا تنها در مقابل رئیس‌جمهور پاسخگو هستند و جمع بین مشاغل پارلمانی و پست‌های اجرایی ممنوع می‌باشد؛ یعنی وزرا نمی‌توانند از بین نمایندگان انتخاب شوند. (عباسی، ۱۳۹٤: ۱۰٦-۱۰۵)

گرچه نظام ریاستی براساس تفکیک مطلق قوا ساختاربندی شده است، ولی در عمل امری محال محسوب می-شود. چراکه برای اینکه امور حکومت به صورت منسجم و یکپارچه اجرا شود، به ناچار دو قوه باید در ارتباط با هم باشند. حتی در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا نیز رئیس‌جمهور با ابزارهایی نظیر «حق وتو تعلیقی» و رابطهٔ حزبی می‌تواند بر فرایند قانون‌گذاری تأثیر بگذارد و در مقابل نیز باید تأیید مجلس برای بودجه دولت و نیز برخی از انتصابات را داشته باشد. (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۳٤-۱۳۳)

نظام‌های مختلط (نیمه ریاستی ـ نیمه پارلمانی)

از اختلاط نظام پارلمانی و نظام ریاستی نوع سومی به وجود می‌آید که نظام‌های مختلط یا «نیمه ریاستی ـ نیمه پارلمانی» نامیده می‌شوند. نظام‌های مختلط برخی از ویژگی‌های نظام ریاستی و نظام پارلمانی را همزمان دارا هستند. یعنی از سویی بین قوه مجریه و قوه مقننه همکاری وجود دارد و از سوی دیگر، میان آنها تعادل برقرار شده است. (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۷۷-۱۷٦) از آنجا که رئیس کشور به صورت مستقیم از طرف مردم انتخاب می‌شود و پارلمان صلاحیت عزل وی را ندارد، ریاستی است. ولی چون در این نوع نظام‌ها، رئیس دولت وجود دارد و برای رسمیت یافتن هیئت دولت نیاز به رأی اعتماد پارلمان هست، شبیه نظام‌های پارلمانی می‌باشد و مجلس می‌تواند کابینه یا یکی از وزیران را به دلیل عدم رضایت از عملکرد آنها از طریق استیضاح و عدم رأی اعتماد مجلس از کار برکنار کند. از طرف دیگر، رئیس‌جمهور نیز می‌تواند پارلمان را منحل کند. (عباسی، ۱۳۹٤: ۱٦٦-۱٦۵)

در نظام‌های مختلط رئیس‌جمهور، رئیس کشور بوده و ریاست قوه مجریه را نیز بر عهده

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

دارد و بخشی از اختیارات آن را شخصاً و بخش دیگری را با همکاری نخست وزیر و هیئت دولت بر عهده دارد. بر اساس قانون اساسی فرانسه رئیس‌جمهور تمام اختیارات رئیس یک کشور در نظام‌های پارلمانی را دارد که اعمال آنها مستلزم پیشنهاد یا تأیید و امضای نخست‌وزیر یا وزیر مسئول می‌باشد و نخست وزیر نیز برای اجرای برنامه‌های دولت خود به رأی اعتماد مجلس نیاز دارد و در صورتی که مجلس به سیاست‌ها و برنامه‌های نخست‌وزیر رأی اعتماد ندهد، باید استعفای خود را تقدیم رئیس‌جمهور کند و در مقابل رئیس‌جمهور نیز صلاحیت انحلال مجلس و برگزاری انتخابات زودرس را دارد. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۵۷-۲۵۶)

نظام‌های اقتدارگرا

نظام‌های پارلمانی، نظام‌های ریاستی و نظام‌های مختلط بر اساس نظریه تفکیک قوا پایه‌ریزی شده بودند. هرچند که در برخی از آنها تفکیک نسبی و در برخی دیگر تفکیک مطلق قوا صورت می‌گیرد، اما نظام‌های اقتدارگرا بر اساس اختلاط قوا شکل می‌گیرند. در این وضع، فرد یا نهادی اختیارات هر سه قوه را با هم بر عهده دارد. یعنی مرکز اصلی قدرت هم واضع قانون، هم مجری آن و هم مرجع رسیدگی به تخلفات می‌شود. به عبارت دیگر، یک فرد یا یک نهاد تمام قوای کشور را در قبضه خود دارد و یا قوای مختل به نهادهای مختلف سپرده شده است. ولی استقلال عملی این ارگان‌ها تحت‌الشعاع فرد یا ارگان دیگر است. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۳: ۳۷۵) اختلاط قوا ممکن است باعث تمرکز قدرت در قوه مقننه یا قوه مجریه شود؛ در حالی که اختلاط قوا باعث حاکمیت قوه مقننه می‌شود و در شرایط و کیفیات خاصی، قوه مجریه را تحت سلطهٔ خود درمی‌آورد. اگرچه ارگان‌های اجرایی و قاون-گذاری وجود دارد و تفکیک ارگانیک قوا در ظاهر صورت گرفته است، ولی قوه مجریه مجری و فرمانبر مجالس قانون‌گذاری می‌شود. اما در حالتی که اختلاط قوا به سود قوه مجریه است، قوه مجریه بر سایر قوا تسلط پیدا می-کند و باعث تمرکز قدرت در دست قوه مجریه و معمولاً استقرار قدرت فردی می‌شود. یک خانواده، یک قوم، یک اقلیت مذهبی، ارتش و یک حزب ممکن است بر یک کشور تسلط داشته باشد. بناپارتیسم در زمان ناپلئون اول در فرانسه، فاشیسم موسولینی در ایتالیا یا ناسیئنال سوسیالیسم هیتلری در آلمان از مثال‌های بارزی از تسلط قوه مجریه بر سایر قواست. (همان: ۳۷۶-۳۷۵) در درجه بعدی «ریاست‌گرایی» قرار

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

دارد که تغییر شکل و ماهیت یافتهٔ نظام ریاستی بوده و در حد وسیعی در کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی معمول است. در این حالت، رئیس معمولاً با انتخابات عمومی و مستقیم برگزیده می‌شود و با بهره‌مندی از اختیارات وسیع و متنوع از اقتدار مطلق برخوردار است. نصب و عزل همکاران خود از جمله وزرا، امکان جانشین شدن بر آنها، حق پیشنهاد قانون، حق برگزاری رفراندوم، فرماندهی نیروهای مسلح، انحصار هدایت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، انحلال بدون قید و شرط پارلمان و ... از جمله صلاحیت‌هایی است که بدون هیچ محدودیتی در اختیار وی قرار دارد. (هریسی نژاد، ۱۳۷۸: ۲۳۳)

با بررسی قانون اساسی جدید ترکیه به نظر می‌رسد که نظام سیاسی ترکیه به نظام ریاست‌گرا نزدیک شده، ولی از جهاتی نیز به دلیل کاهش نقش ارتش متمایز می‌باشد. می‌توان گفت که قانون اساسی ترکیه مدل تازه‌ای از نظام ریاستی را به نمایش گذاشته که خاص این کشور است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

روش پژوهش

این مقاله توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از روش اسنادی تدوین شده است. در روش اسنادی که روشی کیفی است، پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش اقدام کند. استفاده از اصطلاح روش کتابخانه‌ای به جای روش اسنادی، کاملاً تقلیل‌گرایانه است؛ زیرا اولاً در روش اسنادی می‌توان از اسناد غیرکتابخانه‌ای بهره برد و ثانیاً تکنیک‌های متعددی در روش اسنادی به کار گرفته می‌شوند که بسیار روش‌مندتر از خواندن چند متن قابل دسترس در کتابخانه است. (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹٤) روش اسنادی روش مشترک پارادایم‌های مختلف، روشی است که ریشه در سنت پارادایم تفسیری دارد و مفاهیم نظریات درباره پدیده‌های اجتماعی در اسناد و متون بازتاب می‌یابد. روش اسنادی در نقد مکاتب و نظریه‌ها و همچنین بسط مفاهیم و گزاره‌های اساسی نظریات استفاده می‌شود. این روش پژوهشگر را درگیر میدان نمی‌کند.

مراحل پژوهش اسنادی عبارت‌اند از ۱. انتخاب موضوع، تعیین اهداف و سؤالات؛ ۲. بررسی‌های اکتشافی و پیشینه پژوهش؛ ۳. انتخاب رویکرد نظری؛ ٤. گردآوری منابع،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

نمونه‌گیری و تکنیک‌های بررسی منابع، مرور نظام‌مند، طبقه‌بندی و جداول مفهومی و ۵. پردازش ارزیابی مجدد، نگارش وگزارش (جمع‌بندی و ارائهٔ نقطه‌نظر). (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹٤).

در ادامه به بررسی نحوهٔ انتخابات ریاست جمهوری و اختیارات و صلاحیت‌های وی پرداخته می‌شود و سپس مناسبات رئیس‌جمهوری با قوای مقننه و قضائیه ارزیابی می‌شود تا میزان نفوذ و تأثیرگذاری آن بر سایر قوا براساس مواد قانون اساسی مشخص شود.

بحث و یافته‌ها

۱. تصدی پست ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری

افرادی که دارای چهل سال کامل، آموزش عالی، صلاحیت‌های یک نماینده مجلس و شهروند ترک باشند، می‌توانند از طرف مردم برای ریاست جمهوری انتخاب شوند (ماده ۱۰۱).

فاقدان حداقل مدرک تحصیلی ابتدایی، محجورین، فراریان از خدمت وظیفه، محرومان از حقوق اجتماعی، محکومان به حبس بیش از یک سال و جرائم دارای مجازات با حبس سنگین جز در موارد جرائم تقصیری، مرتکبان جرائم رسواکننده‌ای همچون ذمه، اختلاس، ارتشاء، رشوه، سرقت، کلاهبرداری، جعل، سوءاستفاده از عقاید، ورشکستگی به تقصیر و سایر اعمال شنیع، قاچاق، مرتکبان فساد در مزایده‌ها و مناقصات عمومی و داد و ستدها، افشای اسرار دولتی، شرکت در عملیات تروریستی و محکومان به معاونت در یکی از این نوع اقدامات مجرمانه، هرچند که مشمول عفو نیز شده باشند، نمی‌توانند به عنوان نماینده مجلس انتخاب شوند. قضات و دادستان‌ها، منصوبان نهادهای عالی قضائی، اعضای هیأت علمی آموزش عالی، اعضای سازمان آموزش عالی، کارکنان ادارات و سایر مأمورانی که از خدمات کارگری محسوب نمی‌شوند و شاغلان نیروهای مسلح، بدون کناره‌گیری از سمت خود نمی‌توانند کاندیدای نمایندگی مجلس شوند (ماده ۷٦). افرادی که دارای ویژگی‌های مذکور می‌باشند، نه تنها نمی‌توانند برای مجلس نامزد شوند، بلکه حق نامزد شدن برای پست ریاست جمهوری را نیز ندارند.

بر اساس ماده ۱۰۱ قانون اساسی، شرایط نامزد شدن برای ریاست جمهوری نیز تغییر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

کرد. در قانون اساسی قبلی تعداد ۲۰ نماینده مجلس یا احزابی که توانسته بودند در انتخابات عمومی دورهٔ قبل مجلس ۱۰ درصد آرا را کسب کنند، می‌توانستند فردی را برای ریاست جمهوری نامزد کنند. علاوه بر این، احزابی که در انتخابات اخیر نتوانسته بودند ۱۰ درصد آرا را کسب کنند، می‌توانستند با ایجاد ائتلاف بین چند حزب از سد ۱۰ درصدی گذشته و مشترک یک نامزد معرفی کنند (ماده ۱۰۱).

در قانون جدید شرایط نامزد شدن در مقایسه با قانون قبلی متنوع‌تر شده است. براساس این قانون، احزاب می‌توانند با کسب ۵ درصد آرای انتخابات اخیر مجلس، چه به صورت انفرادی یا به صورت ائتلافی، فردی را برای ریاست جمهوری کاندیدا معرفی کنند. علاوه بر این، افراد واجد شرایط رأی‌دهی می‌توانند با ۱۰۰ هزار امضا نامزد مستقل نیز معرفی کنند (ماده ۱۰۱).

انتخابات ریاست جمهوری دو دوره‌ای بوده و همزمان با انتخابات مجلس برگزار می‌شود و اگر نامزدها نتوانند در دورهٔ اول اکثریت مطلق آراء را کسب کنند ـ بیش از ۵۰ درصد ـ در دورهٔ دوم در روز یکشنبه هفته بعد دو نامزدی که بیشترین رأی را آورده بودند، به رقابت خواهند پرداخت و هر نامزدی که بیشترین رأی را بیاورد، به عنوان رئیس جمهور انتخاب خواهد شد (ماده ۱۰۱).

با تغییرات ایجادشده در قانون اساسی در سال ۲۰۰۷م. هر دورهٔ نمایندگی مجلس از ۵ سال به ٤ سال کاهش داده شده بود، اما با رفراندوم قانون اساسی در ١٦ آوریل ۲۰۱۷، دوباره این مدت به ۵ سال افزایش داده شد و بر اساس تغییرات ایجادشده انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در یک روز انجام می‌شود. برخلاف قانون قبلی رئیس‌جمهور دیگر لزومی ندارد که روابط حزبی خود را با حزب سیاسی خود پایان دهد (ماده ۱۰۱، سال ۲۰۱۱).

هدف قانونگذار در فاصله انداختن یک ساله بین انتخابات مجلس و ریاست جمهوری و نیز در برگزار کردن هر دو در یک زمان، مشخص است؛ چرا که باعث هماهنگی بین قوه مقننه و قوه مجریه و شکل‌گیری باثبات اداره کشور می‌شود. به بیان روشن‌تر، با این تنظیمات اکثریت مجلس و رئیس‌جمهور از یک حزب خواهد شد. بدین طریق، یک دورهٔ بی‌وقفه از مدیریت یک حزب در ترکیه ایجاد خواهد شد. (Gözler, 2016: 28)

انتقاداتی که بر این نوع ساختار وجود دارد، عبارت‌اند از:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

۱. برگزاری همزمان انتخابات مجلس و ریاست جمهوری دو نوع نتیجه می‌تواند داشته باشد. ابتدا باعث می‌شود که در فضای سیاسی انتخاباتی هم رئیس‌جمهور و هم اکثریت نمایندگان مجلس از یک حزب سیاسی باشند و در این صورت رئیس‌جمهور علاوه بر ریاست قوه مجریه، بر مجلس هم کنترل خواهد داشت و قانونگذار نخواهد توانست بر دولت نظارت کند. رئیس‌جمهور فقط هر ۵ سال یک بار در انتخابات مورد نظارت قرار خواهد گرفت.

۲. فرض دوم که بر خلاف انتظارات می‌باشد، انتخاب شدن اکثریت مجلس و ریاست جمهوری از احزاب متفاوت است که در این صورت دو حزبی که توسط مردم انتخاب شده‌اند، رودرروی هم خواهند ایستاد. بنابراین، اگر توافق و همراهی بین طرفین وجود نداشته باشد، در استفاده از اختیارات قانونی در نظارت و کنترل یکدیگر کوتاه نمی‌آیند و در صورت کشمکش بین مجلس و رئیس‌جمهور، مجلس می‌تواند فرامین و دستورات اجرایی رئیس‌جمهور را بی اثر کند. تصویب نکردن برنامه بودجه، باعث تضعیف دولت خواهد شد.

ایجاد فاصله در تاریخ انتخابات مجلس و ریاست جمهوری می‌تواند راه‌حلی برای این مشکل باشد. اگر هر دورهٔ انتخاباتی چهار ساله می‌بود و بین انتخابات مجلس و ریاست جمهوری یک سال فاصله وجود داشت، هم مجلس از نقش مؤثری برخوردار می‌شد و هم مردم از صلاحیت نظارت دموکراتیک خود به صورت عملی و مؤثر استفاده می‌کردند. به این نحو که ابتدا انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شد و اگر مردم از خدمات اجرایی رئیس‌جمهور رضایت‌مند بودند، بعد از دو سال در انتخابات مجلس نیز به حزب وی رأی می دادند و اگر راضی نبودند، به حزب مخالف رأی داده و مجلس نیز از صلاحیت خود در کنترل نظارت رئیس‌جمهور به خوبی استفاده می‌کرد.

بر اساس تغییرات ماده ۱۰۱ قانون اساسی، عبارت «بی طرفی» از ویژگی‌های رئیس‌جمهوری برداشته شد و با این قانون زمینهٔ طرفداری رئیس‌جمهور را از حزب خاص فراهم کرد. اما عبارت «بی طرفی» در ماده ۱۰۳ که مربوط به سوگند رئیس‌جمهور است، حفظ شد. یعنی یک رئیس‌جمهور با طرفداری از احزاب و جناح‌های مربوطه سوگند می‌خورد که به صورت بی‌طرفانه وظایف خود را ادا کند. این شرایط وضعیت متناقض‌نمایی بین این دو ماده به وجود می آورد و در ابتدا لازم است تناقض بین این دو ماده برطرف شود. در این خصوص نکتهٔ

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

قابل تأمل این است که قابلیت رئیس‌جمهور برای تصدی دبیر کلی حزب خود، همزمان با دوره ریاست جمهوری می‌باشد. از ویژگی‌های متمایزکنندهٔ نظام ریاست جمهوری از سایر نظام‌های سیاسی، وجود تفکیک مطلق قوا است و این تفکیک، هم در اختیارات و هم مناصب به صورت اساسی انجام می‌شود. مجلس کار تدوین قوانین را انجام می‌دهد و در امور مربوط به رئیس‌جمهور مداخله نمی‌کند. رئیس‌جمهور نیز در چارچوب قانون به امور اجرایی می‌پردازد و اگر به یک نظم قانونی نیازمند باشد، از راهی که قانون مشخص کرده، خواسته‌اش را به مجلس ارائه می‌کند و مجلس نیز پاسخ مقتضی را می‌دهد. همچنین نماینده‌ها نیز نباید در کارهای اجرایی دخالت کنند. عناصر اجرایی نیز نباید در کار قانونگذار دخالت کنند. درحالی که وجود رئیس‌جمهوری که می‌تواند هم در قوه مجریه و هم در قوه مقننه اعمال نفوذ کند، در عمل با احتمال زیادی تفکیک قوا را از بین می‌برد. (Çolak, 2017: 122) چرا که رئیس‌جمهور هم قوه مجریه را در اختیار دارد و هم به خاطر دبیرکلی حزبش می‌تواند در تصویب قوانین اعمال اراده کند. در ترکیه احزاب سیاسی از قواعد سفت و سختی برخوردار و نمایندگان مطیع محض دبیرکل حزب خود هستند. چرا که سرنوشت سیاسی آنها به دست دبیرکل حزب است (İlter, 2011: 11). پس در حالتی که به رئیس‌جمهور اجازه دبیرکل شدن حزبش را می‌دهند، احتمال اینکه اختیارات دو قوه در دست یک نفر جمع شود نیز خیلی زیاد است. به خصوص که در قانون اساسی جدید رئیس‌جمهور هم رئیس دولت و هم رئیس کشور است.

دوره ریاست جمهوری

مدت مسئولیت رئیس‌جمهور ۵ سال است و هر فرد حداکثر دو دوره می‌تواند به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود. (ماده ۱۰۱) ولی بر اساس تغییرات قانون اساسی راه برای رئیس‌جمهور شدن افراد برای بیش از دو دوره نیز باز شده است. برای این حالت دو راه وجود دارد:

۱. اگر در دوره دوم ریاست جمهوری، رئیس‌جمهور با قانون تجدید انتخابات مجلس موافقت کند، می‌تواند یک دوره دیگر نیز نامزد شود (ماده ۱۱۶) و با این قانون افراد می‌توانند برای ۱۵ سال بر کرسی ریاست جمهوری تکیه بزنند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

۲. اگر پست ریاست جمهوری به دلایل مختلف بلا متصدی شود و به انتخابات مجلس نیز بیش از یک سال مانده باشد، در مدت ٤٥ روز انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود و رئیس‌جمهور منتخب تا برگزاری انتخابات مجلس باید به مسئولیت خود ادامه بدهد. ولی این مدت یک دوره مسئولیت محسوب نشده و در دو دورهٔ بعدی نیز می‌تواند شرکت کند. (ماده ١٠٦) بدین طریق بیش از ١٠ سال می‌تواند رئیس‌جمهور شود.

اشغال شدن پست ریاست جمهوری برای بیش از دو دوره متناسب با رژیم‌های دموکراتیک نیست و مغایر با حالت ایده‌آل نظام ریاست جمهوری می‌باشد. چراکه در آمریکا نیز انتخابات ریاست جمهوری هر ٤ سال یک بار انجام می‌شود. (ارشد نژاد، ١٣٨٠: ٩٨)

قوانین مذکور این ادعا را تأیید می‌کند که یک رئیس‌جمهور برای به دست آوردن دورهٔ بیشتر می‌تواند انتخابات مجلس را تجدید کند و همچنین در حالت خالی شدن مقام ریاست جمهوری می‌تواند در دوره کوتاه باز هم انتخاب شود و این باعث بر هم زدن استقرار سیاسی می‌شود. با دو روش می‌توان جلوی این وضعیت را گرفت:

١. نخست اینکه همانند سیستم کلاسیک ریاست جمهوری، اجازه تجدید انتخابات به مجلس و رئیس‌جمهور داده نشود. ذاتاً چنین اختیاری به نهادهای سیاسی در نظام‌های ریاستی داده نمی‌شود تا به مسئولیت همدیگر خاتمه دهند و اگر این طور بود، دیگر مسئله طولانی شدن مدت مسئولیت ریاست جمهوری مطرح نمی‌شد.

٢. همانند قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، معاون رئیس‌جمهور نیز به صورت مستقیم از طرف مردم انتخاب شود. (ارشد نژاد، ١٣٨٠: ٥٢) چرا که ممکن است در صورت خالی شدن پست ریاست جمهوری، معاون وی با پشتوانه دموکراتیک خود مسئولیت ریاست جمهوری را بر عهده بگیرد.

اختیارات و وظایف رئیس‌جمهور به منزله رئیس کشور و رئیس دولت

با تغییر نظام سیاسی کشور ترکیه به سیستم ریاست جمهوری، رئیس‌جمهور در رأس دولت قرار گرفته و صلاحیت–های اجرایی کشور در اختیار اوست. بدین ترتیب، رئیس‌جمهور نمایندهٔ ملت ترکیه و ممثل کشور جمهوری ترکیه می‌باشد و مسئولیت اجرای قانون اساسی و به اجرا در آوردن نهادهای دولت را بر عهده دارد. (ماده ١٠٤) اختیارات و صلاحیت‌های وی عبارت‌اند از:

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

۱. تأیید و انتشار قوانین مصوب مجلس کبیر ملی ترکیه یا بازفرستادن قوانین به مجلس برای بررسی مجدد.

۲. باز کردن پرونده در دادگاه قانون اساسی برای ابطال قوانین و اساس‌نامه‌های مجلس در صورت مغایرت با مفاد قانون اساسی.

۳. عزل و نصب وزرا و معاونان رئیس‌جمهور.

٤. عزل و نصب مسئولان بلندپایهٔ حکومتی و تنظیم قواعد مربوطه برای انتخاب مسئولان مذکور با صدور دستورنامه‌های ریاست جمهوری.

۵. مسئولیت انتخاب سفرا و نمایندگان کشور در نزد دولت‌ها و قبول سفراء و نمایندگان کشورهای دیگر.

٦. موافقت با تغییرات قانون اساسی و برگزاری رفراندوم.

۷. تأیید و انتشار قراردادهای بین‌المللی.

۸. اتخاذ سیاست‌های مناسب در راستای امنیت ملی.

۹. فرماندهی کل نیروهای مسلح ترکیه.

۱۰. تخفیف یا عفو مجرمان در صورت مریضی مستمر، نقص عضو یا مسن شدن افراد.

۱۱. رئیس‌جمهور در راستای اختیارات اجرایی خود، می‌تواند دستورنامه‌های دولتی و مقررات لازم را صادر کند.

اختیارات و صلاحیت‌های داده‌شده به رئیس‌جمهور در قانون اساسی با توجه به تغییری بوده است که در نظام سیاسی صورت گرفته و متناسب با یک سیستم ریاست جمهوری می‌باشد. اما بعضی از صلاحیت‌های وی از ساختار حقوقی متناسب با نظام ریاستی برخوردار نیست و ریاست‌گرایی را به ذهن متبادر می‌کند. ماده ۱۰٤ قانون اساسی که اختیارات و وظایف رئیس‌جمهور را مشخص می‌کند، از مواردی بود که بیشترین مناقشه را در افکار عمومی در برداشت. بر اساس این قانون، تمام اختیارات رئیس‌جمهور بازنگری شد و انتقادهای زیادی علیه آن صورت گرفت. به خصوص انتقاد بر روی دو مورد از این اختیارات که عبارت‌اند از:

۱. عزل و نصب مدیران رده بالای دولتی

یکی از این موارد مورد انتقاد، عزل و نصب مسئولان رده بالای دولتی می‌باشد که بر اساس طرح پیشنهادی، نحوهٔ انتخاب مسئولان ردهٔ بالای دولتی نیز براساس دستورات رئیس‌جمهور

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

تنظیم خواهد شد. در ساختار عزل و نصب مسئولان رده بالای دولتی، دو مشکل اساسی وجود دارد:

الف) مشخص نبودن دایره شمولیت مفهوم «مدیران رده بالای دولتی»: چرا که هر مقامی از مسئولیت‌های دولتی جزء موضوع مسئولان رده بالا محسوب شده و در مورد نحوهٔ عزل و نصب مدیران رده بالای کشور برای رئیس–جمهور قانونی وجود ندارد و این در حالتی است که باعث افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و تضعیف مجلس می–شود.

ب) پیش‌بینی نکردن ابزارهای کنترل و نظارت برای صلاحیت عزل و نصب مدیران توسط رئیس‌جمهور: گرچه دادن اختیارات زیاد به رئیس‌جمهور برای عزل و نصب کادر اجرایی خود امری طبیعی است، اما صلاحیت مذکور آزاد از هر گونه نظارت و بررسی می‌باشد. در حالی که رئیس‌جمهور آمریکا در انتخاب مسئولان رده بالا همچون وزرا، سفرا و اعضای دادگاه عالی نیز نیازمند تأیید مجلس سنا است و رئیس‌جمهور مجبور است در عزل و نصب این مسئولان کسانی را در نظر بگیرد که مورد قبول سناتورها نیز باشد. (ارشد نژاد، ۱۳۸۰: ۱۰۰)

در حالی که در تغییرات قانون اساسی ترکیه چنین ساختاری در نظر گرفته نشده است و رئیس‌جمهور تنها فردی است که در مقام عزل و نصب مسئولان قرار گرفته و هیچ صلاحیتی برای نظارت مجلس در نظر گرفته نشده است. بدین ترتیب، تعادلی بین دو قوه ایجاد نشده و سنگینی صلاحیت‌ها در قوه مجریه مشهود است.

۲. فرمان‌های ریاست جمهوری

از پیشنهادهای مناقشه‌آمیز دیگر قانون اساسی، صلاحیت صدور فرامین از طرف رئیس‌جمهور می‌باشد. بر اساس این قانون برای رئیس‌جمهور صلاحیت اصلی و مستقل از مجلس برای صدور دستورنامه‌های اداری شناخته شده است. صلاحیت نظارت قضائی بر دستورنامه‌های رئیس‌جمهور نیز بر عهده دادگاه قانون اساسی است. (ماده ۱۰٤) براساس این قانون صلاحیت صدور فرامین از طرف رئیس‌جمهور در پنج مورد محدود شده است:

۱. موضوعات مربوط به آزادی‌ها و حقوق افراد به استثنای حقوق اقتصادی افراد.

۲. در موضوعات مشخص‌شده در قانون اساسی که قوانین خاص برای آن تدوین شده است.

۳. در موضوعاتی که طبق قوانین، رئیس‌جمهور حق صدور دستورنامه در آنها ندارد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

٤. در حالتی که بین دستورنامه‌ها و مواد قانونی مغایرت داشته باشد، به قانون عمل خواهد شد.

۵. در موضوعاتی که به صورت همزمان، مجلس نیز قانون تصویب کند که در این صورت تصویبات مجلس اعمال خواهد شد.

هرچند برای مؤثر کردن قدرت اجرایی، اعطای صلاحیت صدور فرمان‌نامه از طرف رئیس‌جمهور لازم است؛ چرا که در مواقعی که نیاز به تصمیم‌گیری سریع است، باید قوه اجرایی اختیارات لازم را داشته باشد تا متحمل خسارت‌های ناشی از کندی مراحل تصمیم‌گیری در عرصه اقتصاد، سیاست و اجتماع نشود. (Aygen,2017: 7) ماده قانونی از محدودیت‌هایی نیز برخوردار است. ولی با گذشت زمان، مشکلات کارآیی این قوانین که روی کاغذ نوشته شده‌اند، مشخص خواهند شد که در این خصوص باید دو نکته را مدّ نظر قرار داد:

۱. بر اساس تغییرات قانون اساسی، هنگام مغایرت فرامین با مواد قانونی، ماده قانونی اساس بوده و اثبات این مغایرت نیز با حکم دادگاه قانون اساسی خواهد بود. (ماده ۹۱) یعنی تا زمانی که دادگاه حکم صادر کند، بر اساس مفاد دستورنامه عمل خواهد شد. به عبارت دیگر، در عمل این محدودیت برای صدور دستورنامه از طرف رئیس‌جمهور بی فایده خواهد بود.

۲. اگر در موضوع یکسان، مجلس قانونی را تصویب و ریاست جمهوری هم دستوری را صادر کند، در این حالت ماده مصوب معتبر بوده و سازوکار صدور دستورنامه را از بین می‌برد. (ماده ١٠٤) فقط اگر رئیس‌جمهور مواد قانونی که با ۱۵۱ رأی پارلمان تصویب شده را امضا نکند، برای بررسی دوباره به مجلس فرستاده خواهد شد و این بار برای تصویب آن ۳۰۱ رأی لازم است. چراکه وتوی رئیس‌جمهور باعث تأخیر در اجرای قانون مصوب مجلس خواهد شد و برای شکستن وتوی رئیس‌جمهور ۳۰۱ رأی نیاز است. (ماده ١٠٤) اگر رئیس‌جمهور صاحب حزب اکثریت نمایندگان مجلس باشد، برای شکستن وتوی رئیس‌جمهور، رأی نمایندگان به سختی به این عدد خواهد رسید و این صلاحیت نظارت نمایندگان بر فرامین رئیس‌جمهور, روی کاغذ خواهد ماند.

انتخاب وزرا و معاونان رئیس‌جمهوری

بر اساس ماده ١٠٦ قانون، رئیس‌جمهور می‌تواند از میان کسانی که ویژگی‌ها و شرایط

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

نمایندگی مجلس را دارند، به تعداد یک یا بیشتر به عنوان معاون و وزیر انتخاب کند. اگر وزرا نیز از میان نمایندگان مجلس انتخاب شوند، از مسئولیت نمایندگی خود برکنار خواهند شد. (ماده ۱۰۶) بنابراین، رئیس‌جمهور هر تعدادی که بخواهد می‌تواند معاون انتخاب کند و در قانون برای آن محدودیتی وجود ندارد. (ماده ۱۰۶) در صورت مریض شدن رئیس‌جمهور، رفتن به سفر خارجی و در وضعیت‌های مشابهی که پست ریاست جمهوری به صورت موقتی خالی شده باشد، یکی از معاونان رئیس‌جمهور به عنوان نمایندهٔ وی به مسئولیت‌های ریاست جمهوری رسیدگی خواهد کرد. هنگام خالی شدن مقام ریاست جمهوری در صورتی که به انتخابات عمومی حداکثر یک سال باقی مانده باشد، معاون اول تا پایان دوره به کار رئیس‌جمهور ادامه خواهد داد و در پایان دوره، انتخابات مجلس و ریاست جمهوری همزمان برگزار خواهند شد. (ماده ۱۰۶)

راه درست این است که همانند قانون اساسی ایالات متحده، رئیس‌جمهور یک معاون داشته باشد و از طریق رأی مستقیم بر سر کار بیاید. (ارشد نژاد، ۱۳۸۰: ۹۹) چراکه هم مردم می‌دانند که معاون رئیس‌جمهور چه کسی خواهد بود و در کمپین انتخاباتی او را خواهند شناخت و هم از مشروعیت دموکراتیک برخوردار خواهد شد. همچنین، هنگام خالی شدن پست ریاست جمهوری می‌تواند با مشروعیت دموکراتیک خود به مسئولیت رئیس–جمهوری ادامه دهد.

اختیارات متقابل رئیس‌جمهور و پارلمان ترکیه

قانون‌گذاری

مجلس کبیر ملی ترکیه به صورت کلی صلاحیت قانون‌گذاری، تغییر و الغای قوانین، بررسی و تصویب قانون برنامه بودجه کشور و حساب سالیانه دخل و خرج دولت، چاپ اسکناس و اعلان جنگ، تصویب قراردادهای بین‌المللی، اعلان عفوء عمومی یا خاص با رأی سه پنجم کل اعضای مجلس و نیز انجام سایر وظایف و اختیارات پیش‌بینی شده در قانون را بر عهده دارد (ماده ۸۷). در فرایند تقنین مجلس ترکیه، قوانین بعد از تصویب شدن به نزد رئیس‌جمهور برای تأیید و انتشار فرستاده می‌شوند و رئیس‌جمهور پانزده روز فرصت دارد تا قوانین مذکور را امضا کند و اگر یک قسمت یا کل قانون را نپذیرد، برای بررسی دوباره

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

به مجلس باز فرستاده می‌شود و برای شکستن وتوی رئیس‌جمهور و تصویب قانون نیاز به اکثریت مطلق رأی نمایندگان، یعنی ۳۰۱ رأی لازم است (ماده ۸۹).

کنترل و اعمال نظارت بر رئیس‌جمهور

یکی دیگر از مکانیزم‌های کنترل قوه مجریه برای مجلس، گزینه‌های نظارت و بررسی موضوعات است. صلاحیت نظارت مجلس ترکیه قبل از تغییرات قانون اساسی از پنج راه انجام می‌شد (ماده ۹۸، سال ۲۰۱۱) که عبارت بود از سؤال، تحقیق مجلس، بررسی عمومی، استیضاح و تفحص مجلس. ولی با تغییرات انجام‌شده تنها سه مورد از ابزارهای نظارتی یعنی تحقیق مجلس، بررسی عمومی و تفحص باقی ماند. گزینهٔ سؤال نیز برای معاونان رئیس‌جمهور و وزرا به پرسش کتبی محدود شد. (ماده ۹۸) براساس تغییرات قانون اساسی جدید، گزینه استیضاح وزرا برداشته شد و چنین تغییری هماهنگ با سیستم ریاست جمهوری می‌باشد. چرا که در سیستم پارلمانی، کابینه و نخست‌وزیر با رؤی اعتماد مجلس انتخاب شده و با استیضاح و عدم رأی اعتماد از مقام خود عزل می‌شوند. در حالی که در نظام ریاست جمهوری چنین نیست.

بر اساس قانون جدید، فرایند تفحص مجلس از وزرا سخت‌تر شد. در قانون اساسی قبلی با درخواست ۵۵ نماینده، پرونده تفحص برای وزرا و نخست‌وزیر باز می‌شد و با ۲۷۶ رأی نمایندگان پروندهٔ وزیر یا نخست‌وزیر به دیوان عالی فرستاده می‌شد. (ماده ۱۰۰، سال ۲۰۱۱) ولی در قانون جدید این ارقام خیلی زیاد شده است و ۳۰۱ رأی لازم است تا درخواست پیشنهاد برای فرایند تفحص از معاونان و وزرا پذیرفته شود. سپس برای باز شدن پرونده به ۳۶۰ رأی نیاز است. بعد از شروع شدن فرآیند بررسی، پرونده به کمیسیون فرستاده می‌شود و کمیسیون گزارشی آماده می‌کند. بعد از بررسی گزارش، در نهایت با رأی ۴۰۰ نفر از نمایندگان، معاونان رئیس‌جمهور یا وزرا را می–توان به دیوان عالی فرستاد. (ماده ۱۰۶)

در شرایط عادی رسیدن به شمار آراء (۳۱۰، ۳۶۰ و ۴۰۰) برای باز کردن پرونده تفحص بسیار دشوار است. پس در حالتی که تفحص از وزرا و معاونان تا این درجه سخت شده، نمی‌توان از نظارت و ارزیابی آنها سخن به میان آورد. یعنی گزینه تفحص مجلس در حالت نظری وجود داشته ولی در عمل غیر کاربردی می‌باشد.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

برگزاری متقابل انتخابات زودرس برای مجلس و ریاست جمهوری

یکی از پیشنهادهای اختلاف‌برانگیز و خیلی عجیب تغییرات قانون اساسی، شناخته شدن صلاحیت تجدید انتخابات عمومی به صورت متقابل برای مجلس و رئیس‌جمهور می‌باشد. براساس ماده ۱۱۶، رئیس‌جمهور بدون پایبند بودن به شرطی، می‌تواند تصمیم به تجدید انتخابات بگیرد و مجلس نیز با ۳۶۰ رأی می‌تواند قانون تجدید انتخابات را تصویب کند. اگر مجلس یا رئیس‌جمهور به دنبالت تجدید انتخابات باشد، طرف مقابل نیز می‌تواند بر اساس اصل متقابل تجدید انتخابات برای مجلس یا ریاست جمهوری تصمیم به تجدید انتخابات بگیرد. (ماده ۱۱۶)

یک تفاوت اساسی بین نظام پارلمانی و نظام ریاست جمهوری، مستقل بودن نهاد مقننه از مجریه است. یعنی مجلس نتواند رئیس‌جمهور را از مسئولیت خود برکنار کند و در مقابل رئیس‌جمهور نیز نتواند مجلس را منحل کند. در نظام پارلمانی، مجلس با رأی عدم اعتماد می‌تواند دولت را بر کنار کند و دولت نیز می‌تواند با انحلال مجلس تجدید انتخابات بکند. به صورت خلاصه در نظام‌های پارلمانی، مجلس و رئیس دولت می‌توانند به مسئولیت همدیگر خاتمه دهند. ولی در نظام ریاست جمهوری دو قوه نمی‌تواند یکدیگر را از کار برکنار کنند و همچنین در صورتی که مجلس و رئیس‌جمهور نتوانند همدیگر را از کار برکنار کنند، مردم می‌توانند انتخابات را پیش‌بینی کرده و اداره کشور با ثبات شود. اصل صلاحیت برکنار کردن متقابل مجلس و ریاست جمهوری باعث دور شدن از اصل اساسی نظام ریاست جمهوری برای تفکیک مطلق قوا می‌شود. علاوه بر این، باید به مفهوم متقابل در متن قانون اساسی توجه کرد. چرا که رئیس‌جمهور به تنهایی می‌تواند دستور تجدید انتخابات را بدهد، ولی مجلس برای تصویب قانون تجدید انتخابات عمومی به ۳۶۰ رأی مجلس نیاز دارد و اگر رئیس‌جمهور صاحب حزب اکثریت نمایندگان باشد، به احتمال زیاد مجلس نمی‌تواند تصمیم به تجدید انتخابات بگیرد و در واقعیت عبارت «متقابل» در متن قانون اساسی با مفهوم واقعی «تقابل» تناسبی ندارد.

اختیارات متقابل رئیس‌جمهور و قوه قضائیه

۱. شورای قضات و دادستان‌ها

بر اساس ماده ۱۵۹ قانون اساسی، ساختار شورای عالی قضات و دادستان‌ها دوباره طراحی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

می‌شود و عبارت «عالی» از نام این شورا برداشته خواهد شد و تعداد اعضای آن از ۲۲ به ۱۳ نفر کاهش پیدا می‌کند. ٦ نفر از آنها به صورت مستقیم از طرف رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود که عبارت‌اند از: وزیر دادگستری، مستشار وزارت دادگستری و چهار عضو دیگر. و ۷ نفر باقی‌مانده نیز از طرف مجلس انتخاب می‌شود. مجلس برای انتخاب کردن نامزدهای شورا ابتدا به ٤۰۰ رأی نیاز دارد و اگر در دورهٔ اول کسی ٤۰۰ رأی نیاورد، در دورهٔ دوم هر کسی که ۳٦۰ رأی بیاورد، انتخاب خواهد شد و اگر در هر دوره به حد نصاب آرا نرسد به قید قرعه انتخاب خواهند شد (ماده ۱۵۹).

از آنجا که رئیس‌جمهور به عنوان دبیرکل حزب خود باقی خواهد ماند و در حالتی که مجلس از اکثریت نمایندگان حزب رئیس‌جمهور تشکیل شود، در آن صورت می‌توان گفت که اعضای شورای قضات و دادستان‌ها از طرف رئیس‌جمهور انتخاب خواهند شد. در این صورت شورای قضات و دادستان‌ها در بررسی و نظارت بر رئیس–جمهور آن‌چنان اراده‌ای نخواهند داشت. این وضعیت برای تفکیک قوا خطرناک خواهد بود. چرا وقتی که یک نهاد که امور ذاتی مربوط به خود را به نهاد اجرایی مرتبط می‌کند، دیگر نمی‌تواند نظارت و بررسی که باید از قوه مجریه داشته باشد، را به عمل بیاورد.

۲. دادگاه قانون اساسی

تعداد اعضای دادگاه قانون اساسی بر اساس تغییرات ماده ١٤٦ از ۱۷ به ۱۵ نفر کاهش پیدا کرد که ۱۲ نفر از اعضای آن از طرف رئیس‌جمهور انتخاب خواهند شد و ۳ عضو باقی‌مانده را نیز مجلس، در آخرین دوره رأی‌گیری با اکثریت ساده انتخاب معین خواهد کرد (ماده ١٤٦) و اگر اکثریت نمایندگان مجلس حزب رئیس‌جمهور باشند، می‌توان گفت که همه اعضاء از طرف رئیس‌جمهور انتخاب خواهند شد.

به طور خلاصه رئیس‌جمهور علاوه بر اینکه رئیس قوه مجریه خواهد بود، به دلیل تصدی دبیرکلی حزب خود می‌تواند بر قوه مقننه و نیز به خاطر نصب قضات شورای قضائی بر قوه قضائیه اعمال نفوذ کند و مرزهای قدرت قوا را از بین ببرد. (Küçük, 2016: 42)

۳. مسئولیت قضائی رئیس‌جمهور

براساس قانون اساسی قبلی، رئیس‌جمهور تنها با جرم «اهانت به وطن»، از طرف مجلس مورد پیگیری قرار می–گرفت (ماده ۱۰۵، سال ۲۰۱۱)، اما براساس تغییرات قانون اساسی،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

تفاوتی بین جرایم گذاشته نشده است و مسئولیت جزائی رئیس‌جمهور شامل همه جرایم می‌شود. (ماده ۱۰۵) براساس ماده ۱۰۵ قانون اساسی، با امضای ۳۰۱ نماینده می‌توان پیشنهاد باز شدن پروندهٔ تحقیق و تفحص علیه رئیس‌جمهور را مطرح کرد. پرونده رسیدگی به جرایم رئیس‌جمهور با ۳۶۰ رأی نمایندگان باز می‌شود. پرونده رئیس‌جمهور بعد از تمام شدن بررسی‌های کمیسیون مجلس، با ٤۰۰ رأی نمایندگان به دیوان عالی فرستاده می‌شود و اگر در دیوان جرمی که مانع انتخاب وی برای ریاست جمهوری است، اثبات شود، مسئولیت وی خاتمه می‌یابد. همچنین، می‌توان رئیس جمهور را با ادعای ارتکاب جرم در دورهٔ ریاست جمهوری خود، حتی بعد از اتمام دورهٔ مسئولیت وی نیز محاکمه کرد (ماده ۱۰۵). این ماده از مواردی است که خیلی مورد توجه منتقدان قرار گرفته است؛ چراکه براساس نظر مدافعان این قانون، مورد محاکمه قرار گرفتن رئیس‌جمهور با ارتکاب هر جرمی هم مسئولیت قضائی وی را افزایش می‌دهد و هم محاکمه وی را آسان‌تر می‌کند. اما با دقت در قانون مسئولیت قضائی رئیس‌جمهور، متوجه تقابل این ساختار با واقعیت می‌شویم. سه مانع مهم در برابر تقابل این ساختار می‌توان تصور کرد که عبارت‌اند از:

۱. در سیستم‌های پارلمانی برای محاکمه جرایم غیرمرتبط با مسئولیت رئیس‌جمهور دو راه وجود دارد: یا برای این جرایم مقررات خاصی وجود نداشته و رئیس‌جمهور همانند یک فرد عادی محاکمه می‌شود یا رئیس‌جمهور به خاطر دسته‌ای از جرایم همانند نمایندگان از مصونیت قضائی یا سیاسی برخوردار است. در حالی که بر اساس تغییرات قانون اساسی برای معاونان و وزرا، بین جرائم فردی و جرائم مرتبط با اختیارات آنها تفاوت گذاشته شده است. در جرائم مرتبط با مسئولیت خود مانند رئیس‌جمهور مورد محاکمه قرار گرفته و در جرایم غیرمرتبط نیز مشمول مصونیت سیاسی و قضائی می‌شوند و برخلاف گفته مدافعان این قانون، نه تنها محاکمه قضائی رئیس‌جمهور آسان نشده، بلکه در واقعیت ساختار حقوقی فعلی باعث می‌شود که رئیس‌جمهور مورد رسیدگی قضائی قرار نگیرد.

۲. در متن قانون دادگاهی که می‌تواند رئیس‌جمهور را محاکمه کند، مشخص نشده است. چراکه اگر ارتکاب جرم غیرمرتبط با اختیارات رئیس‌جمهور ادعا شود، فرایند قانونی آن در مجلس طی شده و به دیوان عالی انتقال داده می‌شود، اما در این مرحله اینکه کدام دادگاه صلاحیت رسیدگی به رئیس‌جمهور را دارد، مشخص نیست.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

بر اساس حکم قانون اساسی رئیس‌جمهور با ارتکاب هر دو نوع جرم به دادگاه قانون اساسی ارجاع داده می‌شود. پس در نگاه اول محاکمهٔ رئیس‌جمهور در دادگاه قانون اساسی انجام خواهد شد، اما در اینجا یک مانع حقوقی وجود دارد و آن اینکه بر اساس ماده ۱۴۸، دادگاه قانون اساسی تنها صلاحیت رسیدگی به جرایم مرتبط با اختیارات رئیس‌جمهور را بر عهده دارد و نمی‌توانند به جرائم غیر مرتبط با اختیارات رئیس‌جمهور رسیدگی کند (ماده ۱۴۸).

سؤال مهمی که پیش می‌آید این است که آیا رئیس‌جمهور بعد از ارجاع به دیوان عالی می‌تواند به مسئولیت خود ادامه دهد یا نه؟ به نظر می‌رسد که استمرار مسئولیت رئیس‌جمهور که بر اساس احتمال ارتکاب جرم مرتبط با اختیارات خود به دیوان عالی کشور ارجاع داده شده است، بعید است و محاکمه رئیس‌جمهور به دلیل جرایم غیرمرتبط با اختیارات خود نمی‌تواند او را از ادامه مسئولیت خود باز دارد. فقط یک اشتباه ساختاری در متن قانون به وجود آمده است و تفاوتی بین جرایم فردی و جرایم مرتبط با اختیارات و صلاحیت‌ها گذاشته نشده است. به همین دلیل به صورت ضمنی، اجازه استمرار مسئولیت به فردی که به کشور اهانت کرده است، تا صادر شدن حکم دادگاه عالی داده شده است.

۳. صلاحیت تجدید انتخابات توسط رئیس‌جمهور ابزاری برای سوء استفاده از این اختیار در موارد مسئولیت‌های قضائی خود شده است. چرا که بر اساس متن قانون، رئیس‌جمهوری که بر علیه او پرونده تحقیق و تفحص باز شده است، نمی‌تواند دستور تجدید انتخابات مجلس را دهد، اما با مشاهده اوضاع مجلس قبل از باز شدن پرونده می‌تواند تصمیم به تجدید انتخابات بگیرد و از این طریق اوضاع مجلس را از هم بپاشد و از باز شدن پرونده قضائی علیه خودش جلوگیری کند. در هر حال اگرچه می‌توان از احتمال ضعیف وقوع حالت‌های مذکور سخن به میان آورد، اما قانون اساسی نارسایی‌های ساختاری دارد. چراکه وقتی قانون دچار تغییرات می‌شود، باید تمام منفذهای زمینه‌ساز سوء استفاده بسته و در این مادهٔ قانونی بین جرایم فردی و کاری فرق گذاشته شود و برای هر یک به صورت جداگانه و شفاف شرایط رسیدگی قضائی مشخص شود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

بحث و نتیجه‌گیری

از دیرباز در فضای سیاسی ترکیه به خاطر یک سری از مشکلات، راه حل را در تغییر نظام سیاسی ترکیه می‌دانستند. به ویژه از زمانی که حزب عدالت و توسعه بر سر کار آمد، به صورت جدی درصدد تغییر نظام سیاسی ترکیه به نظام ریاست جمهوری بود و احزاب و گروه‌های سیاسی را برای مشارکت در این امر فرا می‌خواند؛ چرا که اعتقاد داشت که با تمرکز و افزایش سرعت تصمیم‌گیری می‌توان مشکلات را حل کرد و با ثبات بیشتری به ادارهٔ جامعه پرداخت.

احساس خطر گروه‌های سیاسی بعد از اقدام نافرجام کودتای ۱۵ جولای و افزایش نیاز به امنیت و ثبات سیاسی در دورهٔ اخیر ترکیه باعث شد تا حزب عدالت و توسعه، خواستار تشکیل دولت نیرومند شده تا بتواند با تصمیم‌های سریع و مؤثر استقرار و ثبات را به کشور برگرداند. تغییرات قانون اساسی ترکیه نیز در این چارچوب مورد طراحی مجدد قرار گرفته است. با مشاهدهٔ مناقشه مدافعان و مخالفان مواد قانون اساسی، می‌توان دید که هدف اصلی تغییرات قانون اساسی، جمع کردن صلاحیت‌های قوا در دست یک شخص است و این نوع نظام ریاستی که مدل ترکیه‌ای از نظام‌های ریاستی می‌باشد، بیشتر رئیس‌جمهورگرایی و ریاست‌گرایی است که اختیارات وی در دست رئیس‌جمهور جمع و تمرکز قدرت صورت می‌گیرد. در مواد متعدد قانون اساسی جدید، می‌توان سلطه قوه مجریه بر قوه مقننه و قضائیه را دید. به نحوی که به نظر می‌رسد این نظام در آینده به صورت اجتناب‌ناپذیری در زمینه تفکیک قوا و دموکراسی با مشکلاتی مواجه خواهد شد.

می‌توان گفت منشأ بسیاری از مسائل مربوط به ثبات سیاسی در ترکیه از رژیم سیاسی آن نشأت نمی‌گیرد و این تغییرات باعث افزایش تنش‌های سیاسی بین احزاب می‌شود. چرا که این مدل ترکی نظام ریاستی با فرهنگ سیاسی ترکیه متناسب نبوده و باعث نادیده گرفتن دیگر جریان‌های سیاسی و هویت‌های قومی خواهد شد. در مورد حقوق اساسی و آزادی‌های افراد در قانون اساسی جدید ترکیه جز برداشته شدن دادگاه‌های نظامی، دستاورد دیگری نداشته است؛ چرا که پایه اساسی تغییرات، تغییر نظام سیاسی به ریاستی بوده است. از این‌رو، ساختار حقوقی جدیدی که بتواند مشکلات فعلی ترکیه را حل کند، طراحی نشده است. مشکلاتی همچون هویت‌های قومی، نبود قرارداد اجتماعی بر اساس کثرت‌گرایی و تداوم قدرت‌گرایی در تعیین روابط اجتماعی و سیاسی همچنان باقی است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

منابع

داراب‌زاده، فاطمه؛ وثوقی، سعید؛ قربانی، محمد (۱۳۹۲). «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های گذار به دموکراسی در ترکیه، از دهه ۱۹۸۰ تاکنون، از منظر نظریه سازه‌انگاری». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. شماره ٤، صص ٢٦-٤٨.

خبرگزاری تسنیم (۲/۱۱/۱۳۹۵) با قانون اساسی جدید ترکیه چه‌چیزهایی تغییر خواهد کرد؟
https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/11/02/1302754/

صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹٤). «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی». فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۲۹.

عباسی، بیژن (۱۳۹٤). حقوق اساسی تطبیقی. تهران: دادگستر.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸٤). حقوق اساسی تطبیقی. تهران: نشر میزان.

قادری آذر، کامران (۱۳۹۵). قانون اساسی جدید ترکیه؛ قدرت مطلق رئیس‌جمهور و وداع با دموکراسی.
https://www.mehrnews.com/news/3864975

قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. جلد اول. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (۱۳۸۰). ترجمه: شهرام ارشد نژاد. تهران: گیل.

قانون اساسی ترکیه (۲۰۱۱). https://www.tbmm.gov.tr/anayasa/anayasa_2011.pdf

قانون اساسی ترکیه (۲۰۱۷). https://www.tbmm.gov.tr/anayasa/anayasa_2018.pdf

نوری اصل، احد (۱۳۹۵). قانون اساسی جدید ترکیه و تأثیر آن بر آینده این کشور. اندیشکده تبیین
http://tabyincenter.ir/17989

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۰). حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی. تهران: نشر میزان.

هریسی‌نژاد، کمال‌الدین (۱۳۸۷). حقوق اساسی تطبیقی. تبریز: آیدین.

Ardıçoğlu, Artuk (2017). "Cumhurbaşkanlığı Kararnamesi". Ankara Baru Dergisi. 75 (3), pp. 19-51.

Aygen, Murat (2017). "Başkanlık Sistemi Üzerinde Bir İnceleme Türkiye Örneği". Fırat Üniversitesi Üosyal Bilimler Dergisi. 27, pp. 167-176.

Çolak, Çağrı (2017). "Comparative Analysis of The Turkish Presidential System With Government Systems Including Separatın of Powers". Kastamonu Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi. 18, pp. 114-127.

COŞKUN, Vahap (2017). "16 Nisan 2017 Tarihinde Kabul Edilen Anayasa Değişikliklerinin Değerlendirilmesi". Dicle Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi. 22, pp. 3-30 .

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]

GÖNDER, Hasan (2017). "Presidential System and Its Applicability to Turkey". Bilecik Şeyh Edebali University Journal of Social Science Institute. 2, pp. 156-171.

GÖZLER, Kemal (2016). "Elveda Kuvvetler Ayrılığı، Elveda Anayasa 10 Aralık 2016 Tarihli Anayasa Değişikliği Teklifi Hakkında Bir Eleştiri". Ankara Barosu Dergisi. 4, pp. 25-36.

Güz, Nurettin; Yanık, Hayrullah; Yegen, Ceren (2016). "Discussions of "Presidential System" in Turkish printed media". International Journal of Social Sciences and Education Research. 1 (4). Pp. 1283-1295.

http://www.ysk.gov.tr/doc/karar/dosya/77549/2018-289.pdf

https://www.yenisafak.com/secim-referandum-2017

KÜÇÜK, Adnan (2016). "AK PARTİ'NİN BAŞKANLIK SİSTEMİ MODELİNİN ABD'DEKİ BAŞKANLIK SİSTEMİ MODELİNDEN FARKLILIK ARZ EDEN YÖNLERİ". Kırıkkale University Journal of Social Sciences. 6 (1), pp. 25-64.

Turan, İlter (2011). "Türk Siyasi Partilerinde Lider Oligarşisi Evrimi, Kurumsallaşması Ve Sonuçları". İ.Ü.iyasal Bilgiler fakültesi Dergisi. 45, pp. 1-21.

Yıldız, Abdulkadir (2015). "Başkanlık Sistemi Ve Türkye.Kırıkkale üniversitesi, İİBF". Siyasi bilimi ve kamu yönetimi bölümü. (1), pp. 1-14.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۴۰۱

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

مجیدی، حسن؛ عزیزی هشجین، مهدی (۱۳۹۷)، «تحلیل انتقادی اختیارات رئیس‌جمهور در قانون اساسی ۲۰۱۷ م. ترکیه» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۸، ش٤، زمشتان ۹۷، صص ۲۹-۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-07]